



عباس جانفدا نویسنده و کارگردان پرکار مشهده، سال‌های دانشجویی رادرخشان‌ترین دوره فعالیت هنری اش می‌داند

جان بخشیدن به تئاتر «فردوسی»

منطقه

۱۰

میترا صدرا هنرمند خستگی‌ناپذیر تئاتر مشهده، در رشته‌های مختلف نمایش، نویسندگی، کارگردانی، بازیگری، مدیر تولیدی و طراحی صحنه جوایز بسیاری رادر جشنواره‌های مختلف کشوری و استانی به دست آورده است. او اولین کسی است که تلاش کرد کانون تئاتر و فیلم دانشجویان دانشگاه فردوسی تشکیل شود و طرح‌های خود را برای برگزاری جشنواره تئاتر دانشجویان دانشگاه‌های کشور به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرستاد. با عباس جانفدا که از زمره پرکارترین هنرمندان تئاتری استان و شهر مشهده است و از دوسال پیش ساکن محله رازی شده‌گپ و گفتی کردیم. او در این گفت‌وگو از روزهای پرفراز و نشیبش برای رسیدن به موفقیت در هنر تئاتر گفت.

● صحنه نمایش با چادر مادر

قرارمان پلاتویی است که در سال‌هایی نه چندان دور گروه هنری «هامش» در آن تمرین و خوانش داشتند. ولی حالا سوت و کوراست و به دلیل مشکلات اقتصادی از رونق افتاده است. (پلاتو در هنر نمایش و تئاتر به مکان تمرین گروه‌های نمایشی گفته می‌شود). عباس جانفدا ۸۴ گروه «هامش» را با همراهی بعضی دوستان تئاتری اش تشکیل داد. این گروه در سال‌های ۸۸ و ۸۹ در جشن اردیبهشت تئاتر استان خراسان رضوی به عنوان برترین گروه نمایشی معرفی شد. به دلیل اصلت پدر و مادرش که به روستای «سرچاه» تازبان، از توابع شهرستان بیرجند برمی‌گردد، خودش را بیرجندی می‌داند. او خاطرات زیادی از دوران کودکی خود و این روستا دارد. فرزند دوم خانواده و متولد ۱۳۵۶ است. در خانه او را امیدصدامی‌کنند. اما در محافل هنری به تأکید خودش همان عباس جانفداست. پدرش بعد از ازدواج در سال ۵۱ به مشهده می‌آید و در خیابان امام خمینی (ع) ساکن می‌شوند. عباس از همان کودکی به بازیگری علاقه داشته و در دوره‌های خانوادگی برای هم‌سن و سال‌های خودش نمایش اجرا می‌کرده است. پدر و مادر عباس دوست داشتند بچه‌ها درس بخوانند و به موفقیت برسند. او و ۳ برادرش همگی درس خوان بودند و آرزوی پدر و مادر را در دوران تحصیل برآورده می‌کردند. اما او از همان کودکی علایق متفاوتی داشت. یکی از خاطرات جذاب کودکی عباس به عصرهای خانه پدر بزرگ برمی‌گردد زمانی که بچه‌های فامیل را دور خود جمع می‌کرد و لطیفه‌های آن زمان را به صورت نمایش برایشان اجرا می‌کرد. عباس می‌گوید: «چادر مادر را قرض می‌گرفتم و به دو تا از بچه‌های دادم. هر کدام یک سمت آن را می‌گرفتند و این طوری صحنه نمایش را آماده می‌کردیم. بازیگرها به نوبت وارد صحنه می‌شدند و نمایش شروع می‌شد.»

● آغاز راه با تئاتر دانش آموزی

پدر عباس بعد از اینکه به مشهده آمد فراش مدرسه شد. به این ترتیب فرزندانش در خانه‌هایی بزرگ شدند که حیاط آن‌ها از پرده‌ها متر نبوده است. اولین حرکت جدی عباس در نمایش به ۹ سالگی اش برمی‌گردد. زمانی که در مدرسه ثابت‌بجی تحصیل می‌کرده؛ جایی که پدرش هم فراش آنجا بوده است. می‌گوید: «دیوار به دیوار این مدرسه تالار تربیت بود و پدرم هم زمان مسئولیت مدرسه و تالار را بر عهده داشت. این هم جواری باعث شد به طور جدی تر به مقوله نمایش فکر کنم. آن زمان مشهده سالن تئاتر نداشت و نمایش‌ها در تالار تربیت اجرا می‌شد. تالار و مدرسه به هم راه داشتند و به همین دلیل فرصت دیدن نمایش‌ها را داشتم. گروه‌های مختلف از مشهده و تهران آنجا اجرا داشتند و من از دیدن آن نمایش‌ها نکات زیادی آموختم.» در آن دوره تئاتر دانش آموزی جایگاه ویژه‌ای داشته و استادان بنام مشهده به مدارس می‌آمدند و یادانش آموزان تئاتر کار می‌کردند. مرحوم حسن حامد یکی از این استادان است که عباس از او به عنوان اولین استادش یاد می‌کند. می‌گوید: «آن زمان شناختی از استاد حامد نداشتم. یادم هست بچه‌های علاقه‌مند به نمایش را دور هم جمع می‌کردم و زنگ‌های تفریح، خودمان را برای جشنواره‌های دانش آموزی آماده می‌کردیم. یک روز استاد حامد زنگ تفریح سر تمرین ما حاضر شد و بعد از تماشا به من پیشنهاد داد کارگردان نمایشمان باشد. من قبول نکردم و گفتم: خودم کارگردان هستم! او هم در نهایت بزرگواری گفت: پس من دستیار تومی شوم. در همان حال و هوای کودکی قبول کردم. دو یا سه ماه بیشتر کنار مان بود ولی هرآنچه در آن زمان به ما یاد داد، برایم ارزشمند است. در آن دوره خوش درخشیدم و یکی از گروه‌های تئاتر مشهده برای نقش یک نوجوان از من درخواست بازی کرد اما پدرم مخالف بود و مجبور شدم همان فعالیت مدرسه را ادامه دهم.» از فرصت‌های دیگری که عباس در زندگی اش داشته آشنایی با حسین لطف‌آبادی یکی دیگر از پیش‌کسوتان تئاتر استان و نیشابور است. لطف‌آبادی علاوه بر دنبال کردن تئاتر، دبیر آموزش و پرورش نیز بوده و چندسالی برای تدریس به مشهده می‌آمده. حسین سال دوم راهنمایی نمایش «کوچ تا ج» را با او تمرین می‌کند و همین آشنایی مسیر زندگی هنری اش را تغییر می‌دهد. می‌گوید: «آن



ویژگی
دانشجو
جسور بودن
و بی‌پروا سخن
گفتن است. تئاتر
دانشجویی متأثر
از همین اندیشه
است.

#هنر
#تئاتر_دانشجویی
#دانشگاه_فردوسی

هر ماه یک نمایشنامه

عباس جانفدا، ۸۹ رکوردی عجیب می‌زند. ۱۲ نمایشنامه از او در ۱۲ شهر کشور اجرا می‌شود. هر ماه یک نمایشنامه. در چهار دوره متوالی از سال ۸۶ تا ۹۰ در جشنواره تئاتر رضوی بیشترین نمایشنامه‌های تأیید شده متعلق به اوست. ۳ دوره متوالی نویسنده

برگزیده جشنواره تئاتر مقاومت و ادبیات نمایشی رضوی می‌شود. نمایشنامه‌هایش در این جشنواره با موضوع امام رضا (ع) و دفاع مقدس بوده است. او سعی کرده زاویه نگاهش به امام رضا (ع) با سایر نمایشنامه‌نویسان متفاوت باشد. علاقه و عشقش به امام مهربانی‌ها، نمایشنامه‌های او را متفاوت کرده است که خودش می‌گوید کار دل است.